

# کارکرد دراماتیک موسیقی در نمایش

مؤلف: طنین احمدی

|                     |                                                      |
|---------------------|------------------------------------------------------|
| سرشناسه             | : احمدی، طنین، ۱۳۶۳ -                                |
| عنوان و نام پدیدآور | : کارکرد دراماتیک موسیقی در نمایش / مولف طنین احمدی. |
| مشخصات نشر          | : تهران: آرنا، ۱۳۹۴.                                 |
| مشخصات ظاهری        | : ۱۰۳ ص؛ ۱۴/۵ × ۲۱/۵ س.م.                            |
| شابک                | : 978-600-356-368-1                                  |
| وضعیت فهرست نویسی   | : فیپا                                               |
| یادداشت             | : کتابنامه: ص. [۸۹] - ۹۴.                            |
| موضوع               | : موسیقی در نمایش                                    |
| رده بندی کنگره      | : MT ۱۳۹۴۹۶۰ ک۳ الف /                                |
| رده بندی دیویی      | : ۵۴/۷۸۱                                             |
| شماره کتابشناسی ملی | : ۳۹۶۵۷۱۰                                            |



**نشر آرنا**

|                  |                                   |
|------------------|-----------------------------------|
| عنوان            | : کارکرد دراماتیک موسیقی در نمایش |
| مولف             | : طنین احمدی                      |
| ناشر             | : آرنا                            |
| طرح جلد          | : امید اکبری                      |
| چاپ              | : اول ۱۳۹۴                        |
| شمارگان          | : ۱۰۰۰ نسخه                       |
| قیمت: ۸۰۰۰ تومان |                                   |
| شابک             | : ۹۷۸-۶۰۰-۳۵۶-۳۶۸-۱               |

[www.arnapub.com](http://www.arnapub.com)

## فهرست مطالب

|    |                     |
|----|---------------------|
| ۱۱ | سپاسگزاری.....      |
| ۱۳ | مقدمه.....          |
| ۱۴ | اهداف کتاب.....     |
| ۱۷ | روش عرضه موضوع..... |

### فصل اول

#### نظریه موسیقی و زبان

|    |                                    |
|----|------------------------------------|
| ۲۱ | بیان نظریه.....                    |
| ۲۲ | ریشه‌یابی نظریه موسیقی و زبان..... |

### فصل دوم

#### ترکیب‌بندی موسیقی

|    |                                    |
|----|------------------------------------|
| ۲۷ | ترکیب‌بندی.....                    |
| ۲۷ | ۱- ترکیب‌بندی در موسیقی.....       |
| ۳۰ | ۲- ترکیب‌بندی موسیقی در نمایش..... |

## فصل سوم

### موسیقی در بازیگری

- ۱- جایگاه موسیقی در بازیگری ..... ۳۵
- ۲- تعامل میان زبان موسیقی و زبان بدن ..... ۴۴

## فصل چهارم

### موسیقی در متن نمایشی

- جایگاه موسیقی در نمایشنامه ..... ۵۱

## فصل پنجم

### موسیقی در پیشبرد کنش دراماتیک در نمایش

- ۱- موسیقی دراماتیک ..... ۵۷
- ۲- ماهیت موسیقی نمایش ..... ۵۸
- الف) اصطلاحات و عوامل متشکل در ساخت یک اثر موسیقایی ..... ۵۹
- ب) کارکردهای موسیقی در نمایش ..... ۶۵
- ج) رنگ آمیزی صوتی سازها ..... ۷۱
۱. موسیقی کلاسیک جهانی ..... ۷۱
- گروه بندی سازها ..... ۷۲
- سازهای زهی ..... ۷۳
- سازهای بادی چوبی ..... ۷۴
- سازهای بادی برنجی ..... ۷۶
- سازهای کوبه ای ..... ۷۷
- سازهای شستی دار ..... ۷۸
- سازهای الکترونیک ..... ۸۰
۲. موسیقی کلاسیک ایرانی ..... ۸۰
- د) انواع اجرای موسیقی در نمایش ..... ۹۰
- ۱) موسیقی زنده ..... ۹۰

۹۲ ..... (۲) موسیقی بازبخش

۹۳ ..... (۳) موسیقی ترکیبی

فصل ششم

سخن آخر

۹۷ ..... در پایان

۹۹ ..... کتاب نامه

www.ketab.ir

## مقدمه

سراغاز تاریخ موسیقی نمایش، به شکل درام نمایشی که امروز می‌شناسیم، ریشه در کشور یونان دارد. نخستین نمونه‌های نمایشی در یونان، با ارکستر موسیقی همراه بوده است و اعضای ارکستر در مکانی کنار صحنه‌های نمایش که اصطلاحاً به آن ارکسترا می‌گفتند، قرار می‌گرفتند. یونانیان معتقد بودند موسیقی حاوی کیفیتی اخلاقی است؛ آنان با انواع گوناگون موسیقی حالات و مفاهیم ویژه‌ای را بیان می‌کردند.

موسیقی نمایش تاریخچه‌ای همپای هنر نمایش دارد در روم نیز مانند یونان، موسیقی و نمایش باهم درآمیخته بودند. آن‌چنان‌که ارسطو درام را شامل بخش‌هایی می‌داند و بیان می‌کند «هر درامی از شش قسمت تشکیل یافته است: داستان، شخصیت، اندیشه، فن بیان، موسیقی و عناصر نمایشی» (زرینکوب، ۱۳۶۶: ۲۸). قسمت اعظم تأثیر نمایش یونان باستان شنیداری و موسیقایی بوده است. بدیهی است که در این نوع نمایش، تصویر صحنه به خدمت کلام و گفتار درمی‌آمد. منظر نمایش، به‌خصوص در نمایش مدرن، با مفاهیم بصری گوناگونی درآمیخته است که به‌هیچ‌وجه نمی‌توان آن را به حرکت صرف تقلیل داد.

مهم آن است که این ترتیب ارسطویی حاوی نوعی پیوستگی با معنا است اما اهمیت موسیقی در نمایش برای واگنر به گونه دیگری بیان می‌شود، واگنر موسیقی



و درام را با یکدیگر ترکیب کرد و نامش را موسیقی -درام نهاد، برای واگنر درام واقعی با جهان آرمانی سروکار دارد که به محض ورود در این جهان، زبان روزمره رنگ می‌بازد و شکلی موسیقایی به خود می‌گیرد. براکت به نقل از واگنر بیان می‌کند «درام را باید در چشمه جادویی موسیقی شستشو داد تا عظمت شکسپیر و بتهوون نمود پیدا کند و ترکیب شوند» (براکت، ۱۳۶۶؛ ۴۷۶) واگنر معتقد بود درام گفتاری وابسته به استعدادها و تفسیر شخصی اجراکنندگان است درحالی‌که موسیقی با نغمه و نواخت خود امکان کنترل بیشتری بر اجرای نمایش می‌دهد.

### اهداف کتاب

هدف اصلی این کتاب تبیین کارکرد دراماتیک موسیقی در نمایش بر اساس نظریه موسیقی و زبان است و با توجه به اینکه سابق بر این در حوزه نمایش، کتابی تحت عنوان خاص موسیقی در نمایش به نگارش درنیامده است، کتابی است منحصر به فرد، البته مقصود این نیست که می‌توان متون دیگر که در یک یا دو فصل خود به این موضوع پرداخته‌اند را نادیده گرفت. موضوع مطرح شده در این کتاب به خوبی می‌تواند پاسخگوی خلأهای فکری و عملی موجود در موسیقی هنرهای نمایشی (تئاتر) باشد.

بر این اساس با وارد کردن ترکیب‌بندی موسیقی در ساختمان و بیکره هنرهای نمایشی، جایگاه و کارکرد دراماتیک موسیقی در نمایش را به منزله عنصری در پیشبرد کنش دراماتیک بیان نماید. با پرداختن به موسیقی موجود در متن، زبان نمایشنامه گشوده می‌شود و از آغاز با بازیگر همراه می‌شود و بازیگر با درک ریتم و موزیکالیت موجود در نمایشنامه، به فضای صحنه نزدیک می‌شود. کنش دراماتیک موجود در نمایش، با موسیقی اوج می‌گیرد و با تأثیری که موسیقی از طریق



کارکردها، رنگ صوتی و شیوه اجرایی، بر صحنه نمایش می‌گذارد، موسیقی دراماتیک بیان می‌شود، بنابراین کاربرد موسیقی و تأثیر آن دیگر هرگز نمی‌تواند در بافت و ساختار نمایش مورد بی‌اعتنایی قرار گیرد. با توجه به اهداف موردنظر و مبانی موجود در این کتاب نظریه موسیقی و زبان به جهت بیان رویکرد، مؤکد کردن و درک بهتر موضوع موسیقی در نمایش در نظر گرفته شده است.

نظریه موسیقی و زبان بر این تأکید دارد که موسیقی و زبان دو موجود توانمند که حیاتشان به یکدیگر وابسته است، چراکه موسیقی بر مفهوم حسی و زبان بر صدا تأکید می‌کند. در حرکت به سوی این دو عامل از عرصه‌های متفاوتی عبور می‌کنیم؛ از پهنه سخن و آوا تا مفهوم اشارات و حرکات نمادین و مکانیزم‌های بسیار دیگری که در احساس و درک عصبی دخالت می‌کنند. بسیاری از فیلسوفان و نظریه‌پردازان موسیقی مدعی شده‌اند موسیقی یک‌زبان است این ادعا می‌تواند معنایی مجازی یا واقعی داشته باشد که اگر در معنای واقعی بیان شود، با مشکلی جدی روبرو می‌شود. زیرا برخی از پژوهشگران معتقدند که موسیقی نمی‌تواند یک‌زبان باشد، چراکه فاقد هر نوع ارزش معناشناختی است. به هر صورت شباهت‌هایی جالب و روشن‌گر میان موسیقی و زبان وجود دارد که می‌تواند از لحاظ فلسفی مهم باشد. رابطه‌ای را که این نظریه‌پردازان درباره موسیقی و زبان می‌خواهند شرح دهند، این است که اندیشه موسیقایی ساختاری شبه زبانی دارد، در سال ۲۰۰۰ نظریه‌پردازی چون نیلز والین<sup>۱</sup>، بیورن مرکر<sup>۲</sup> و استیون براون<sup>۳</sup> با گردآوری نظریات متفاوت از بسیاری موزیکولوژیستها و نظریه‌پردازان موسیقی که از جنبه‌های گوناگون به بررسی نظریه «موسیقی و زبان» پرداخته‌اند، اظهار داشتند؛ ظهور موسیقی و زبان

1 Nils.l wallin

2 bjorn merker

3 steven brown





در چرخه تکاملی آدمی به شکلی باهم درآمیخته و پیوند یافته‌اند، سعی آنان بر آن بود تا به اولویت موسیقی بر زبان و تکلم در انسان تأکید کنند.

والین می‌نویسد «ارتباط زبان و موسیقی بیش از دیگر جنبه‌های تحلیلی انعطاف‌پذیر و قابل‌دسترس است زیرا آنچه میان زبان و موسیقی قرار دارد ساختارهای موزایی و هم‌سویی است که در راستای این دو حرکت می‌کند. مسئله اصلی که در گفتار خود به آن توجه می‌کنیم عرصه تکاملی این ارتباطات است. دست‌کم در باب تکامل موسیقی و سخن (زبان) سه نظریه وجود دارد که بر یکدیگر تأثیر متقابل می‌گذارند: ۱. موسیقی از سخن متحول می‌شود (زبان-موسیقی) ۲. سخن از موسیقی متحول می‌شود (موسیقی-زبان) ۳. هر دو از یک تبار مشترک تأثیر می‌پذیرند (موسیقی و زبان). او به نقل از واگنر می‌گوید: زبان و موسیقی بستر مشترکی دارند، سرچشمه هر دو یکی است، هر دو را باید نگاه کرد و نامش را زبان - موسیقی گذاشت» (2000:27) این کتاب به بررسی کارکرد دراماتیک موسیقی در نمایش بر اساس نظریه موسیقی و زبان می‌پردازد و در این خصوص سؤالاتی را طرح می‌کند. ترکیب‌بندی در موسیقی به چه معنا است؟ در نمایش ترکیب‌بندی موسیقی چگونه است؟ ارتباط موسیقی و بازیگری به چه معناست؟ متن نمایشی چگونه با موسیقی بیان می‌شود؟ چگونه کنش دراماتیک در نمایش به وسیله موسیقی پیتس می‌رود؟

با قرار دادن نمایش در ترکیب‌بندی موسیقی که شامل اجزای تشکیل‌دهنده یک اثر موسیقایی است، بدون تعصب به سبک اجرایی خاص به کنکاش موسیقی در بطن هنرهای نمایشی می‌پردازیم، موسیقی در متن نمایش وارد می‌شود و بر اساس تبیین نظریه موسیقی و زبان در تعامل با زبان نمایشنامه قرار می‌گیرد.



بر این اساس اثبات می‌شود که موسیقی با افزایش بار دراماتیک به پیشبرد کنش موجود در نمایش کمک می‌کند موجودیت خود را نیز در صحنه تثبیت می‌کند؛ بنابراین موسیقی به عنوان یک جزء جداناپذیر در نمایش معرفی می‌شود.

## روش عرضه موضوع

موسیقی، هنر زمان است که از لحظات زودگذر و فرار در ارتباط با ضمیر آگاه و ناآگاه استفاده می‌کند. از آنچه در زندگی بشر می‌گذرد فانتزی‌هایی خلق می‌کند که به لحاظ بیانی دارای تداوم حسی است و هرگاه اقتضا کند این تداوم قطع خواهد شد و به سلسله مراتب بدل خواهد گشت. تولید موسیقی سرآمد فعالیت‌های فرهنگی بشر بوده است، همه جا حضور دارد و عنصر همیشه حاضر جوامع کوچک و بزرگ است.

مطلب مهم در این کتاب، اصلیت، بافت و ساختار موسیقی در نمایش است، بنا بر نظریه فلسفی موسیقی و زبان که بر الویت موسیقی در جهان هنر و زبان تأکید دارد و موسیقی را سرآغاز ارتباط بشری داند، می‌توان اثبات کرد که موسیقی نه تنها از آغاز، پیش‌تر از زبان (تکلم) با بشر همراه بوده است، بلکه رد پای موسیقی در تاریخ هنرهای نمایشی نیز دیده شده است، بر این اساس موسیقی از ابتدا با نمایش همراه بوده و پایه و اساس نمایش را نیز تشکیل داده است.

در این کتاب؛

فصل اول به جهت شناخت نظریه، به توضیح و شرح تاریخچه و بیان نظریه موسیقی و زبان پرداخته شده است. فصل دوم مبحث ترکیب‌بندی در موسیقی و بیان ترکیب‌بندی موسیقی در نمایش بر اساس نظریه موسیقی و زبان بیان شده است. فصل سوم به تعریف و تبیین جایگاه موسیقی در بازیگری و تعامل میان زبان



موسیقی و زبان بدن اختصاص دارد که بر این اساس، بازیگر با درک موجودیت موسیقی (ریتم و موزیکالیت) به دنیای شناخت زبان بدن نزدیک می‌شود، روح و فضای موجود در موسیقی تصور و تخیل بازیگر را از فضای ذهن فراتر خواهد برد و بنابراین بازیگر با درک زبان موسیقی و زبان بدن، آزادانه به اجرا می‌پردازد. در فصل چهارم، به توضیح و اثبات موسیقی در نمایشنامه، بایان درک و کاربرد ریتم، نواخت و در متن نمایشی پرداخته شده است. بدین جهت کارگردان می‌تواند با درک موسیقی نمایشنامه، ریتم ثابت و قابل انعطافی را از ابتدا برای پیشبرد کنش موجود در نمایشنامه مشخص کند و بر اساس آن مانند رهبر، ارکستر نمایشی خود را رهبری کند. در آخر فصل پنجم، پس از استدلال‌ها و مستنداتی که در طی فصول کتاب در بیان جایگاه موسیقی در کنش دراماتیک، بازیگری و نمایشنامه عنوان شد، چگونگی پیشبرد کنش دراماتیک نمایش به وسیله موسیقی دراماتیک، مورد بررسی قرار می‌گیرد که در این راستا، به بیان عوامل سازنده اثر موسیقایی، کارکردهای موسیقی، رنگ صوتی سازها و انواع شیوه اجرای موسیقی در نمایش، پرداخته‌ام.

طنین احمدی

تابستان ۱۳۹۴